

سعید گُردمافی برنده جایزه مجمع موسیقی شناسی AAWM شد



سعید گُردمافی برنده جایزه مجمع موسیقی شناسی «رویکردهای تحلیلی به موسیقی ملل» AAWM شد. گُردمافی این جایزه را برای مقاله «ایقاع:قاعده‌ای برای پیروی یا شکستن؟؛ راهبردهای ریتمسازی در آهنگسازی و بداهه‌پردازی در موسیقی کلاسیک مشرق عربی» دریافت کرده است. این مقاله که خلاصه‌ای از آن در تیر ماه سال جاری، در پنجمین کنفرانس دوسالانه مجمع مذکور، خوانده شده بود، در یکی از شمارهای آینده نشریه آنلاین AAWM منتشر خواهد شد.

این جایزه، که در سال ۲۰۱۶ میلادی به احترام موسیقی‌شناس فقید آمریکایی و از بنیانگذاران مجمع رویکردهای تحلیلی،راب شالتز، پایه‌گذاری شد، هر دوسال یکبار، به یک محقق جوان شرکت کننده در کنفرانس مجمع که آخرین آن در کشور یونان برگزار شده، اهدا می‌شود.

سعید گُردمافی نوازنده سسنتور، آهنگساز و دانشجوی دکتری قوم‌موسیقی شناسی در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن SOAS است. از او مقالات متعددی در فصلنامه موسیقی ماهور، نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران، مجله تاریخ علم دانشگاه تهران، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، مجله theworldofmusic و سه‌آلبوم موسیقی، «سرخانه»، «بداهه‌سازی» و «بزم‌دور»، منتشر شده و آلبوم دیگری با نام «عشیران»، با همکاری علی کاظمی، در دست‌انتشار است.

از مجموعه «زمرّ» نشر فنجان «در قفس» درباره ابوالحسن صبا منتشر شد



انتشارات فنجان سومین کتاب از مجموعه پژوهشی «زمرّ» را به قلم فرهود صفرزاده منتشر کرد. مجموعه زمرّ پژوهشی درباره استادان و بزرگان تأثیرگذار تاریخ موسیقی ایران است که این بار جدیدترین کتاب این مجموعه به «ابوالحسن صبا»، مدرس و استاد جوادان یاد موسیقی ایران، ویرتووز یگانه ویولن و سه‌تار اختصاص دارد که در ۲۸۸ صفحه به زور طبع آراسته شده است. فرهود صفرزاده، پژوهشگر و نویسنده، درباره این کتاب نوشته است: «ابوالحسن صبا آمیزه‌ای بود از اقبال خوش در داشتن خانواده‌ای فرهنگی و پدری دلسوز، استعداد ذاتی و نبوغ هنری، آموزه‌های سنتی و متجددانه‌ی موسیقی، شعر و ادبیات، هنرهای تجسمی، صنایع دستی، تجربیات اجتماعی دوران گذار از قاجار به به پهلوی و انبوه‌آمال و آرزوهای وقایع عمر نه‌چندان بلندش شوربخشانه مانع از کامیابی آرمانی او شد، اگرچه صبا بیش از قدر وسع کوشید، میدان علم و عملش در موسیقی هم‌وسیع و گسترده بود، هم ژرف و عمیق، او در اندیشه‌ی احیا و نوآوری نیز بود. منتقدین صبادچار یک دردمشترک بودندو هستندو آن عدم‌شناخت دقیق صباو سطحی‌نگری درباره‌ی او و کارهای اوست. امیدواریم این کتاب، دید و شناخت بهتری از صبا فراهم آورد تا با دقت و انصاف بیش‌تری در باره‌اش بگویند و بنویسند.» صفرزاده، مدرس دانشگاه و پژوهشگر تاریخ معاصر موسیقی ایران، پیش‌تر نیز دو کتاب «باد خزان: در باره‌ی غلامحسین درویش» و «چرخ‌یی آیین: درباره‌ی عارف‌قزوینی» را در مجموعه زمرّ نشر فنجان منتشر کرده است که کتاب «باد خزان» در سال ۱۳۹۵ برنده رتبه‌ی سوم جایزه دوسالانه خانه‌موسیقی در بخش پژوهش شده. همچنین این پژوهشگر تبریزی قصد دارد در آینده نزدیک کتاب‌هایی درباره «علینقی وزیری» و «فرهانی‌ها» در قالب مجموعه زمرّ منتشر کند. چاپ اول «در قفس: درباره‌ی ابوالحسن صبا»، کتاب سوم از مجموعه زمرّ نشر فنجان، به قلم فرهود صفرزاده و باورایش محمدافتخاری در ۲۸۸ صفحه و تیراژ یک‌هزار نسخه به قیمت ۴۲۰۰ تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

گزارشی از سه شب اول جشنواره موسیقی فجر در بخش کلاسیک ایرانی و غربی

میزان سی و چهارم بر کلاسیک



بخش اول، در بخش دوم خواننده و رهبری از کشور آذربایجان را بر خود دید و اندکی از آن ضعف و رخوت پارت اول برنامه کاسته شد و نشان داد که خواننده ایسم و رسم آذربایجانی به‌مراتب از خواننده ارکستر ملی ما توانا تر است و بهتر می‌خواند.

رپر توار محدودار کستر سمفونیک تهران

قطعات «پیترو و گرگ» به همراه «برنده آتشین» که پیش‌تر بارها و بارها در برنامه‌های ارکستر سمفونیک تهران اجرا شده است نیز در سومین شب جشنواره موسیقی فجر اجرا شد تا نشان دهد فقدان رهبر باسواد و کارآزوده تا چه میزان می‌تواند در رپر توار ی تکراری و یکنواخت خود را بروز دهد؛ علاوه بر اینکه ماهیت ارکستر سمفونیک را زیر سوال می‌برد. ارکستر سمفونیک تهران رهبر لایق و

شورای هنری مجرب ندارد و روز به روز از هنر عاری‌تر و این مساله عیان تر می‌شود.

پر تلاش و بی ادعا

از اجراهای ضعیف و مبتذل دو ارکستر ملی و سمفونیک تهران که هر چند با حمایت‌های دولتی اداره می‌شوند بگذریم؛ ارکستر زهی آر کو، اجرایی در تالار رودکی در شب دوم جشنواره برگزار کرد که نشان داد بخش خصوصی می‌تواند ارکسترهای به‌مراتب پر قدرت‌تر از دو ارکستر دولتی یادشده را ایجاد و حمایت کند و البته باز هم تأییدی بر این نکته بود که ارکسترهای زیادی در کشور ما هستند که نه رهبر ارکستر و نه نوازندگانشان هیچ ادعا و منتی ندارند و تنها به رشد هنری و اجرای بهتر می‌اندیشند؛ همان‌گونه که ارکستر آر کو در شش ماهه اول تولد

ارکستر ملی در دو سالی که سکان آن در دست یک آهنگساز پاپ بوده است علاقه زیادی به احیای خوانندگانی داشته که سال‌های زیادی است کسی سراغی از آنها نمی‌گیرد و اساساً هم به عنوان خواننده ارکستر شناخته نمی‌شوند

خویش این واقعیت را در دوباره برنامه بروز داده است. همان مساله‌ای که در دو ارکستر دولتی وجود ندارد، اما مدعیای رهبران آنها در برابر تجربه و دانش واقعی‌شان سر به فلک کشیده است.

موسیقی‌های آذربایجان در یک شب

در شب افتتاحیه جشنواره

موسیقی فجر، بخش دوم اجرای ارکستر ملی به موسیقی مردم‌پسند و شناخته‌شده آذربایجان اختصاص داشت که تصنیف‌هایی چون آرشین مال‌الان، آیرلیق، اولسری وار خانه خانه، سنده قالماز و سوگیلی جانان در آن خوانده شد.

در سالان حوزه هنری نیز برنامه راست موغام گروهی از نوازندگان تبریزی را شاهد بودیم. در سالن نیاوران نیز گروه موغام دعوت‌شده از کشور آذربایجان به اجرای برنامه می‌پرداخت که هر سه اجرا در سه سالن متفاوت اما همگی در یک‌شب به موسیقی آذربایجان اختصاص داشت و بدین ترتیب همه توان آذری‌ها در یک‌شب به اجرا گذاشته شد که نشان از کم‌ظرافتی در چیدمان و برنامه‌ریزی جدول اجراها داشت. برنامه‌ریزی اگر به درستی انجام می‌شد می‌توانست حجم علاقه‌مندان موسیقی آذربایجان را در سه شب توزیع کرده و سالن‌ها را مملو از جمعیت کند.

آرپینه ايسر اتيليان در حد انتظار

افتتاحیه جشنواره موسیقی فجر ۳۴در بخش کلاسیک غربی بارستال پیانو آرپینه ايسر اتيليان توأم بود که در سالن رودکی علاقه‌مندان را گرد هم آورده بود. این اجرا در همان حدی از ايسر اتيليان انتظار می‌رفت، با کیفیت اجرا شد.

اجرای درخشان

بهترین اجرا در سه شب اول جشنواره به انس‌امیل آتلاس از کشور دانمارک اختصاص داشت که قطعاتی از کارل نیلسن، فرانسیس پولاک، هرمز فرهت، شاهین فرهت و امیرمهیاری تفرشی‌پور را اجرا کرد. متأسفانه به علت اطلاع‌رسانی نامطلوب و ضعف، هیچ‌گونه سوابقی از گروه‌ها و نوازندگان در برورشورها نیامده بود تا مخاطب بداند این گروه بهترین در اروپای شمالی شناخته می‌شود و چه اهمیتی دارد. هر چند

ارکستر زهی آر کو، در شب دوم جشنواره اجرایی در تالار رودکی برگزار کرد که نشان داد بخش خصوصی می‌تواند ارکسترهای به‌مراتب پر قدرت‌تر از دو ارکستر ملی و سمفونیک تهران را ایجاد و حمایت کند

برخی مخاطبان با دست‌زدن‌های نابجا در بین موغام‌ها موجب از بین رفتن حس نوازنده و شنونده جدی می‌شدند با این همه این اجرا مخاطب حرفه‌ای موسیقی را خشنود می‌ساخت و می‌توان جشنواره را در بخش کلاسیک غربی پر قدرت دانست.

علیرضا مشایخی دوباره به جشنواره آمد

فریماه قوام صدی با اجرای قطعه شهرزاد اثر علیرضا مشایخی در سومین شب از جشنواره برای علاقه‌مندان موسیقی معاصر شب خوبی را رقم زد. تا بخش موسیقی کلاسیک غربی تا معاصر جشنواره امسال موسیقی فجر پر قوت ظاهر شده باشد.

اجراهای آثار مدیر جشنواره

پنج قطعه از شاهین فرهت که دبیری جشنواره امسال را برعهده دارد در رپر توار اجرایی گروه‌ها در جشنواره دیده شده است. مساله‌ای که برای دبیر امسال چالش و ایرادی اساسی است.

نبود جای پارک

اجرای دو ارکستر هم‌زمان در رودکی و تالار وحدت و برگزاری تئاتر در سالن حافظ عامل ترافیک شدید ورودی به خیابان شهریار و نبود جای پارک در خیابان و کوچه‌های اطراف تالار وحدت بود. معضلی که مدیران بنیاد رودکی و ارشاد و شهرداری و سازمان ترافیک به آن نمی‌اندیشند.

آهنگسازی نخبه که در هیاهوی هنروران امروز فراموش شده

کسی حتی اسم سوپیت ایرانی استوار یا سوپیت مازندرانی هم ز فرهت یاشب کوک فوز به مجد رایشناسد و این برای جامعه دانشگاهی یک درد بزرگ است و البته اسامی را هم زیاد می‌شنویم که هر روز در مطبوعات و رسانه‌ها فاعل هستند و اطرافیان‌شان برای آنها خوب پروپاگاندای می‌سازند! جالب است که از یکی از همین همکاران شنیدم که در جایی هم افاضه فضل و مطرح کردند که آقای استوار معلم بود و نه آهنگساز! که نمی‌دانم این را چگونه باید تفسیر کرد! حاکایت غوره نشده موز شده است به ذهنم آمد! باید اجرای این آثار را در دستور کار ارکسترهای ایرانی قرار داد ولی دروغ همراهی! گویی دست‌هایی پنهان همواره تلاش برای اجرانشدن این آثار می‌کنند! چون واهمه دارند که کارهای ضعیف خودشان به چشم بیاید و صدا البته که ذائقه مردم هم به سمت موسیقی پوپولیستی سوق پیدا کرده و این هم از ندانم کاری همین دوستان برمی‌آید! به هر حال باید یک مرکز یا بنیاد مسئولیت سازمان دهی به رپر توار غنی آهنگسازان نسل اول را به عهده بگیرد و ارکسترها اجرای آنها را در دستور کار خودشان قرار بدهند و این موضوع حمایت جدی لازم دارد!

هوشنگ استوار یکی از بی نظیر ترین مدرسان موسیقی در سطوح عالی و یکی از توانمندترین آهنگسازان ایرانی در سطح بین‌المللی است که برخی آثار ایشان در دهه شصت میلادی در اروپا اجرا شده و یکی از نسخه‌های ضبط شده توسط مایسترو رهبری در آلمان اجرا شده است. هنرمند و آفرینشگر تابد زنده است و آثارش جزو میراث معنوی و شنیداری.

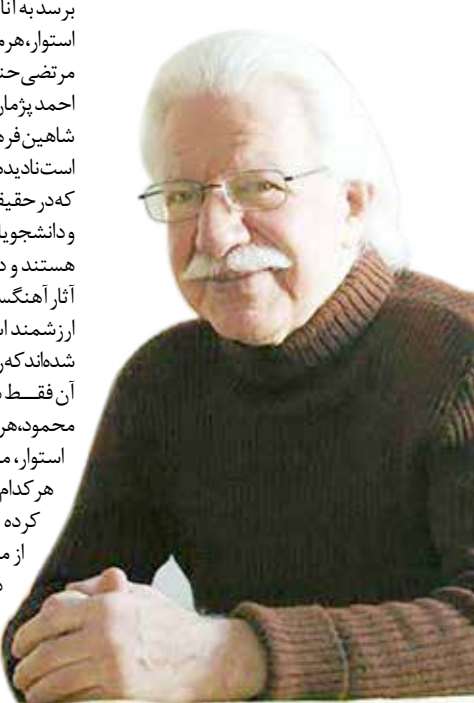
مرحوم ثمین باغچه‌بان و یا «صبر و ظفر» مرحوم حنانه، «کنسرتو کلارینت» استاد هرمز فرهت، «سوپیت ایرانی» استاد استوار معرفی می‌کردم و بچه‌هایی گفتند در حد اسم شنیده‌اند ولی نمی‌شناسند! یا می‌شود دانشجوی رشته آهنگسازی باشی و این آثار را نشنیده باشی؟!

البته گله‌ای نیست ولی مایز گانی در این سرزمین داریم که آثارشان در سطح بین‌المللی اجرا شده و البته اساتید این رشته در کلاس‌ها دروغ می‌کنند حتی از نام بردن این بزرگان تاچه برسد به آنالیز این آثار! بزرگانی همچون استاد استوار، هرمز فرهت، فوزیه مجد، پرویز محمود، مرتضی حنانه، ثمین باغچه‌بان، دکتر مسعودیه، احمد پژمان، علیرضا مشایخی، ایرج صهبایی و شاهین فرهت خیلی دیگر که واقعا بی‌انصافی است نادیده گرفتن این نام‌های بزرگ در دانشگاه که در حقیقت جایگاه این نام‌ها در دانشگاه است و دانشجویانی هم هستند که پوینده و جوینده هستند و در پی این میراث معنوی. مجموعه آثار آهنگسازی او ولو به تعداد کم قابل اعتنا و ارزشمند است. آثاری که در دوره‌ای نوشته شده‌اند که رشته آهنگسازی در مفهوم کلاسیک آن فقط در چند نفر خلاصه می‌شد، پرویز محمود، هرمز فرهت، حسین ناصحی، هوشنگ استوار، مرتضی حنانه و ثمین باغچه بان که هر کدام با توجه به مکتبی که در آن تحصیل کرده بودند به آهنگسازی می‌پرداختند.

از معضلاتی که اکنون دست به گریبان دانشگاه‌هاست فقدان این آثار است و صدا البته سلیقه مدرسین هم مزید بر علت است. از دانشجویان رشته آهنگسازی شاید کمتر

توسط ارکستر سمفونیک نورنبرگ و بارهبری استاد علی رهبری اجرا و ضبط شده است، الژی برای پیانو و آواز مترو سپرانو، آثاری برای ارکستر زهی، اثری برای پیانو و ارکستر زهی بر روی سبزه رباعی از خیام که شنیدن آن و مطالعه پارتیتور آن خالی از لطف نیست.

چندی پیش با چند نفر از دانشجویان رشته آهنگسازی صحبت می‌کردم و داشتم چند نمونه اثر از آهنگسازان قدیم ایران مثل «کنسرتو ویلن» مرحوم پرویز محمود، یا «بومی‌وار»



آنالیز مرهون تعالیم او هستند. شاگردانی که با وی کار کرده‌اند می‌دانند نظم و دیسپلین در کار و کلاس او مثال‌زدنی بود و از کوچک‌ترین خطاهای گذشته و در مورد آنها مبسوط توضیح می‌داد. نظرات مشخصی نسبت به موسیقی ایرانی و هارمونی بر آن و استفاده از ظرفیت‌های آن در پردازش و تلفیق با ارکستراسیون کلاسیک داشت که می‌توان در مجلات موسیقی قبل از انقلاب مطالعه کرد. ضمناً رساله هارمونی و سازشناسی و ارکستراسیون سارلی را در چهار جلد ترجمه کرد به همراه آنالیز قطعات که خود به آن افزود. چند بار از او خواستم که آنها را منتشر کند ولی در پاسخ گفت جوانان و دانشجویان امروز حوصله مطالعه این رساله هارمونی چهار جلدی را ندارند و بایدگیری برآکنده هارمونی والتر بیستون امیر آهنگسازی خود را انجام می‌دهند و اکنون در حین تدریس در دانشگاه متوجه این موضوع می‌شویم!

او در حوزه آهنگسازی صاحب آثاری است که می‌تواند برای دانشجویان رشته آهنگسازی منشأ یادگیری باشد و با آنالیز و تجزیه و تحلیل این آثار ببینند که این استاد بی‌بدیل چگونه از موتیف‌های موسیقی ایرانی بهره گرفته و با هارمونی متناسب با آن و البته ارکستراسیونی بسیار باسلیقه و استاندارد این تم‌ها و موتیف‌ها را بسط و گسترش می‌دهد؛ نمونه بارز آن در سوپیت ایرانی است برای ارکستر سمفونیک